

# «هرکاره»؛ میراثی از نوغان قدیم

**درباره یکی از مشهور ترین سوغاتی های شهر مشهد**

**که قدمتی بیش از ۱۰۰۰ سال دار دو صبغه مذهبی یافته است**

**جواد نوائیان رودسری** –پیش از آن که با

شهادت امام رضا(ع) ودفن پیکر مطهر آن حضرت در جوار روستای سناباد، از توابع نوغان قدیم، سنگ بنای شهر مشهد گذاشته شود، این منطقه، بخشی از ولایت دیرپای توس بود و سابقه تاریخی پر باری داشت. در از منته باستان، توس دارای دو شهر آباد به نام های نوغان و تابران بود که امروزه از شهر نخست، چیزی باقی نیست و از شهر دوم، تنها ویرانه هایی بر گرد روستایی کوچک به جامانده است که اگر قبر حکیم توس، روانشاد ابوالقاسم فردوسی، سراینده بزرگ ایرانی و شاعر شاهنامه بزرگ در آن مدفون و مقبره ها ش بر همگان معلوم و مورد احترام نبود، ای بسا از تابران نیز، کمتر اطلاعاتی در اختیار داشتیم. افزون بر نوغان و تابران، ولایت توس دور و ستا یا شهر چه بزرگ و آباد داشت که با نام سناباد و «تروغذ» مشهور بودند؛ اولی با گسترش شهر مشهد ناپدید شد و تنها نامش بر خیابانی از خیابان های شهر باقی ماند و دومی، امروزه با نام «طرقبه» شناخته می شود و منطقه گز دشگری و بیابانی معروفی در جوار مشهدالرضا(ع) است. وجود این آبادانی، طبعاً از آینده صنایع و مهارت های بومی متعدد بود؛ آن چنان که در کتاب های جغرافیای قدیم، به ظرفیت های اقتصادی و صنعتی این منطقه اشاره شده است. مثلاً «اصطخری» در «مسالك والممالك»، یکی از صنایع رایج در این منطقه را فیروز تراشی می داند و می نویسد: «و فی جبال نیسابور و طوس یکون فیروزج»؛ در کوه های نیشابور و طوس، معدن فیروزه وجود دارد. در این گزارش ها، صحبت از فعالیت معادن مس و حتی طلا به میان آمده است که استخراج آن چندان مقرون به صرفه نیست. با این حال، صنعتی که همپای فیروز تراشی، تا امروز در مشهد قدیم دوام

● **حدیث امام رضا(ع) درباره «هرکاره»**

هر کاره به عنوان محصولی از نوغان قدیم که ساخت آن، پشت در پشت به مشهدی های امروزی رسیده است، صیغه ای دینی هم دار د و به کتاب های روایی مشهور نیز، راه یافته است. معروف ترین روایتی که به هر کاره مشهدی اشاره می کند، در متن کتاب ارجمند عبیون اخبارالرضا(ع)، اثر شیخ صدوق، محدث و عالم بزرگ شیعه امامیه در قرن چهارم هجری است. شیخ که مدتی را هم در مشهد زندگی کرده و در جوار روضه منوره به تدریس و نقل حدیث اشتغال داشته است، روایتی را به نقل از

آورده، بی تردید صنعت تولید ظروف سنگی است. این حوقل (جغرافی دان قرن چهارم هجری) تولید ظرف های سنگی را از ویژگی های خاص نوغان می داند و در «صورة الارض»، کتاب مشهورش، می نویسد: «در کوه نوغان معدن قدور البرام (دیگ سنگی) است که به سایر بلاد خراسان بر ند. « آن چه این حوقل در گزارش حدود هزار سال قبل خودش اشاره می کند، قطع به یقین همین محصولی است که امروزه ما آن را با نام «هرکاره» یا به قول مشهدی ها «هر کره» می شناسیم؛ دیگ سنگی خوش تراشی که می شود از آن برای پخت انواع غذا ها، به ویژه آبگوشت ها و اشکنه ها بهره و به دلیل ویژگی ساختاری آن، از پخت تدریجی و به قول خانم ها، «جا افتادن» غذا در آن لذت برد. امروزه، هر کاره مشهد تقریباً شهرتی جهانی دار د؛ هر کاره ای که در قدیم، با سنگ بریده شده از کوه سنگی معروف ساخته می شد و امروزه البته، در روند ساخت آن، از سنگ دیگر نقاط هم استفاده می کنند؛ نقاطی مانند کوه خلیج در نزدیکی مشهد که می توان در آن سنگ مورد نیاز هر کار را ساخت.

● **بقای هر کاره تا امروز**

این روایت که در یکی از کهن ترین منابع حدیثی شیعه نقل شده است، توجه و علاقه زائران و مجاوران را به هر کاره بر انگیزخت و زمینه را برای توسعه صنعت سنگ تراشی و به عبارت بهتر «هرکاره» تراشی در مشهد، فراهم کرد. بخشی از بازار قدیم مشهد که امروزه اثری از آن باقی نیست و از شمال صحن عتیق (صحن انقلاب) تا راسته نوغان امتداد داشت، به بازار سنگ تراشان معروف بود که در آن، افزون بر هر کار، دیگر محصولات سنگی، اعم از محصولات هنری، کتیبه و ... را می ساختند. با تخریب بازار بزرگ، بخش عمده ای از کاسبان و هنرمندان این بازار، در گوشه و کنار شهر پراکنده شدند، اما هنر دست آن ها، هنوز مشتریان زیادی دارد و زائران و مجاورانی که به امید یافتن هر کاره خوش تراش، در بازارهای اطراف حرم مطهر جست و جو می کنند، کم نیستند.



## وکیل آباد، از چه زمانی «وکیل آباد» شد؟

**رودسری** – بوستان وکیل آباد یکی از تفرجگاه های مهم شهر مشهد است و برای مشهدی ها و حتی زائرانی که به پاپوس امام رضا(ع) می آیند، مکانی نوستالژیک است. باغ وکیل آباد در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، توسط حاج حسین ملک وقف عام شد و در اختیار شهر داری مشهد قرار گرفت. اظهار نظر درباره چرایی نام گذاری این مکان، ساده نیست. دست کم دورایت مهم درباره نام گذاری وکیل آباد وجود دارد. روایت نخست این است که باغ وکیل آباد را به دلیل وکالت حاج حسن ملک، برادر حاج حسین، در دوره پنجم مجلس شورای ملی، بین سال های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ و تملک ابتدایی او بر اراضی این منطقه، به این نام خوانده اند. ظاهر اشعری از ایرج میرزا هم در این باره باقی مانده است که دلالت بر نام وکیل آباد، پیش از سال ۱۳۰۴ دارد. روایتی دیگر که گویا از خانم عزت ملک ملک، دختر حاج حسین ملک، است، چنین بیان می کند که دلیل اطلاق نام «وکیل آباد» به این بوستان، تعلق آن به

**فلکه «ضد»**

**و حکایت حمله متفقین!**

میدان پانزده خرداد مشهد، نخستین میدانی است که مسافران هنگام حرکت از پایانه اتوبوسرانی شهر به سمت حرم مطهر، از آن می گذرند. این میدان در میان مردم مشهد، به «فلکه ضد» مشهور است. پیشتر در همین ستون و صفحه، به دوستان عزیز یادآوری کردیم که در مشهد، به جای کلمه میدان از واژه «فلکه» استفاده می کنند؛ بنابراین، مقصود از «فلکه ضد» همان «میدان ضد» است. اما وجه تسمیه این میدان چیست و چرا آن را با این واژه عجیب و غیر متعارف نام گذاری کرده اند؟ واقعیت آن است که در حدود سال ۱۳۱۵ خورشیدی، در این میدان یک ضدهوایی نصب شد تا به اصطلاح در حکم پدافند هوایی شهر و البته لشکر خراسان باشد. در آن زمان، به این میدان، «فلکه ضدطیاره» می گفتند. به تدریج، واژه طیاره از انتهای این ترکیب افتاد و فقط کلمه «ضد» باقی ماند و شد: «فلکه ضد». هر چند که بعد از شهریور ۱۳۲۰، ضدهوایی از میدان مذکور که در آن زمان، خارج از شهر قرار داشت، بر چیده شد؛ اما نام «ضد» در افواه عمومی ماند و ماندگار شد. اما این «فلکه ضد» در تاریخ معاصر مشهد شاهد واقعه ای تلخ و در عین حال، مضحک بوده است. هنگامی که هواپیماهای شوروی بر فراز شهر مشهد به پرواز درآمدند، ضدهوایی یادشده شروع به شلیک کرد؛ متصدی نظامی این کار، چون قبلاً هیچ وقت اجازه تمرین و شلیک پیدا نکرده بود، تا بیاید و شلیک کردن یاد بگیرد، گوله هایش تمام شد و تازه کاشف به عمل آمد که لشکر شرق، حدود ۱۰۰ گلوله ضدهوایی بیشتر نداشته است! نتیجه این وضعیت هم کاملاً معلوم بود؛ وقتی تعداد گوله های ضدهوایی از هواپیماهای مهاجم کمتر باشد، دیگر باید فاتحه پدافند هوایی را خواند! دلیل این کاستی آن بود که رضاشاه عادت داشت همه مهمات و ادوات را به دو لشکر تهران اختصاص دهد و توجه چندانی به لشکرهای دیگر نداشته باشد؛ هر چند آن دو لشکر هم، مقابل هجوم بیگانگان، عملاً هیچ کاری انجام ندادند!



**رازهای بنای تاریخی دوره تیموری در مشهد**

## گورهای سرداب «مسجد ۷۲ تن»

نوائیان – مسجد ۷۲ تن، یکی از معروف ترین مساجد تاریخی مشهد است؛ مسجدی که ساخت آن در دهه ۸۳۰/ ۸۰۰ش به پایان رسید و بعد ها در کنار آن، حمام تاریخی مهدی قلی بیگ ساخته شد؛ جایی که امروزه در انتهای بازار فرش مشهد (اندروزگوی ۱۳) قرار دارد. این بنا، با دو مناره و کاشی کاری های بسیار نفیس، چند سالی است که مرمت شده و می توان زیبایی های آن را بهتر دید. اما این اثر قدیمی، با همه ز بیایی اش، اسراری دارد که شاید کمتر کسی از آن خیر داشته باشد؛ از جمله این اسرار می توان به چند گور در سرداب مسجد اشاره کرد که در دهه های اخیر کشف شد. البته تدفین اموات در چنین مکان هایی بی بسابقه نیست. در مدرسه «دو در» که امروزه داخل حرم مطهر قرار گرفته است هم، قبری وجود دارد که ظاهراً متعلق به بانی مدرسه است. اما اسرار مسجد ۷۲ تن، فقط به این گورهای ناشناخته مربوط نیست؛ این مسجد اصلاً محراب ندارد و جهت دیوار جنوبی آن هم روبه قبله نیست! تا چند دهه قبل

